



طراحی پوستر برای شهید زین الدین

خانه طراحان انقلاب اسلامی به مناسبت سالروز شهادت سردار سرفراز سال‌های دفاع مقدس شهید مهدی زین الدین، پوستر جدید خود را طراحی و منتشر کرد. دیروز ۲۷ آبان ماه؛ سالروز شهادت سردار دلاور سال‌های دفاع مقدس، شهید مهدی زین الدین بود و به همین مناسبت خانه طراحان انقلاب اسلامی پوستر

تازه خود را طراحی و منتشر کرد. این پوستر که «شهید مهدی زین الدین» نام دارد، با شعار «در زمان غیبت چه کسی منتظر است» طراحی شده است. آن‌طور که تسنیم نوشته پوستر شهید مهدی زین الدین را محمد شکبیا طراحی و اجرا کرده است. شهید زین الدین در سطرهای نخستین وصیت‌نامه‌اش نوشته بود: «اولین شرط



ابراهیم لواسانی	
منتقد هنر	

نقد سیاسی و اجتماعی فرهنگ آمریکایی برآمد. از جمله در این نمایشگاه مجسمه‌ای به تماشا گذاشته شده بود که حیوانی با نقشی از کره زمین روی بدنش، پای ترامپ را به دهان گرفته و آن را گاز می‌گیرد؛ پای ترامپ خونین است و تلاش دارد با آویزان شدن به یک هلی‌کوپتر خود را از هلاک‌ه برهاند؛ روی همین پایه، مجسمه دیگری قرار دارد که یک ورزشکار بوکسور است؛ ورزشکار با وجود زخم‌هایی که بر داشته مشخصت محکمی به سوی حریف پرتاب کرده و قصه، قصه مقاومت است، نه شکست. «گسست محسوس» عنوان این نمایشگاه بود که در گالری طراحان آزاد ارائه شد؛ آثار ۱۳ هنرمند از سه نسل مختلف در این نمایش گروهی موضوعی به تماشا بود که به خاطر قرار گرفتن آنها زیر یک تیتر واحد، رویکرد پژوهشی نیز به خود گرفت.

موضوع در عین حال، بررسی تاثیر هنر آمریکایی بر هنرمندان ایران هم بود؛ پس از جنگ جهانی دوم، پایتخت هنر از پاریس و برلین به نیویورک منتقل شد و به خاطر شرایط مناسب مالی آمریکا در آن روزگاران، بخش بزرگی از هنرمندان صاحب‌نام اروپایی به آمریکا مهاجرت کردند و همه اِیسم‌های هنری از نیویورک به سراسر دنیا مخابره می‌شد. بالطبع ایران نیز از این پدیده نوظهور دور نماند و بخشی از هنرمندان ایران از این جنبش‌های مولود آمریکا متأثر شدند؛ هنرمندان توانمندتر، معنا و تجربه درونی و بومی خود را به اِیسم‌های تازه افزودند و به اصطلاح آن را رایزنیزه کردند اما بسیاری هم در فرم‌گرایی آن ماندند، اما به خصوص در دود دهه اخیر با او جگیری نسل نوین هنرمندان ایرانی و نیز گسترش باور نگرندنی هنرهای جدید سبب شد گفت‌مان نقد و بازخوانی اِیسم‌های هنر آمریکایی شکل بگیرد.

تکین آغداشلو که کیوریتور این نمایشگاه بوده، در «گسست محسوس» با کاتار هم قرار دادن نام‌هایی آشنا از هنرهای تجسمی که هر یک زبان شخصی خاص خودش را دارد و طی سال‌ها زاویه نگاهی صاحب‌امضا یافته‌اند، تلاش کرده یک‌طرفه به قاضی نرود و تا جایی که مقدور است به زوایایی از این تاثیر تاریخی در پنج دهه اخیر نزدیک شود. در این نمایشگاه گشتی زده‌ایم.

نقد: خلاف جریان آمریکایی

گونه‌های مختلف نقاشی، مجسمه، عکس از رضا آرامش، سینا چوپانی، قاسم حاجی‌زاده، خسرو حسن‌زاده، هدی زرباف، کوروش شیشه‌گران، طلا مدنی، امیر کمند، هومن مرتضوی، فرهاد مشیری، شیرین علی‌آبادی، محمد رضا میرزایی، نیک‌زاد نجومی و منوچهر یکتایی روایت‌هایی تصویری از تاریخ یک کنش هنرمندانه‌اند؛ کنشی که اگر تا دیروز مدهوش فرم و تکنیک بود در دود دهه اخیر جسورانه پایش را به نقد و تولید محتوایی خلاف جریان آب نیز گذاشته است. این دست‌آثار انتقادی به فرهنگ آمریکایی در این نمایشگاه در اکثریت بود که همگی به جوانان یا نسل میانی هنرمندان معاصر تعلق داشت. شاید مهم‌ترین نام این نمایشگاه، منوچهر یکتایی، نقاش و شاعر صاحب‌نام است که سال گذشته در ۹۷ سالگی درگذشت؛ او از پیشگامان نقاشی مدرن ایران است. یکتایی سال‌ها در نیویورک زندگی کرد و برخی تنور پِسیسن‌های آمریکایی جایگاه او را در کنار هنرمندانی چون جکسون پالک و ویلم دکونینگ قرار می‌دهند و درباره



گشتی در نمایشگاه هنرهای تجسمی «گسست محسوس» که همزمان با انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، جامعه، فرهنگ و سیاست آمریکایی را در تهران به نقد کشید

گازگرفتن ترامپ در تهران!

در ۲ دهه اخیر با او ج گیری نسل نوین هنرمندان ایرانی، گفت‌مان نقد مکتب‌های هنر آمریکایی نیز او ج گرفته است



عمل شگفت‌آوری در اختیارشان قرار داده از یک پرتره با شیء از میان انبوه خطوط خلق می‌کند. اما آنچه بیش از تصویر شکلی یا انتزاعی بر گستره تابلو سیطره دارد، حرکت سیال خطوطی است نرم و منحنی، سرشار از انرژی و پویایی که اکنون به یک برند معروف در هنر معاصر ایران تبدیل شده‌اند؛ ضلع سوم پیشکش‌سوتان این نمایشگاه بی‌گمان قاسم حاجی‌زاده است، او با وجود این که سال‌هاست در فرانسه زندگی می‌کند، به صراحت اعلام کرد در هنرش از نیویورک تاثیر گرفته است. او در بسیاری از نقاشی‌هایش در عکس‌های خانوادگی قدیمی به صورت «رافت‌شده» استفاده می‌کند. عکس‌هایی که جنبه بصری آنها و نه افرادی که در آن به تصویر درآمده‌اند برای نقاش مهم است.

اکسپرسیونیسم انتزاعی، تصاویری مبهم از یک پرتره با شیء از میان انبوه خطوط خلق می‌کند. اما آنچه بیش از تصویر شکلی یا انتزاعی بر گستره تابلو سیطره دارد، حرکت سیال خطوطی است نرم و منحنی، سرشار از انرژی و پویایی که اکنون به یک برند معروف در هنر معاصر ایران تبدیل شده‌اند؛ ضلع سوم پیشکش‌سوتان این نمایشگاه بی‌گمان قاسم حاجی‌زاده است، او با وجود این که سال‌هاست در فرانسه زندگی می‌کند، به صراحت اعلام کرد در هنرش از نیویورک تاثیر گرفته است. او در بسیاری از نقاشی‌هایش در عکس‌های خانوادگی قدیمی به صورت «رافت‌شده» استفاده می‌کند. عکس‌هایی که جنبه بصری آنها و نه افرادی که در آن به تصویر درآمده‌اند برای نقاش مهم است.

نقد چند رسانه‌ای فرهنگ آمریکا

امانسل‌های بعدی حاضر در این نمایشگاه با استفاده از مدیوم‌های هنرهای جدید که آزادی

پلنگ صورتی؛ نقد صنعت سرگرمی‌سازی آمریکا

اثر دیگری که در این نمایشگاه توجهات بسیار به خود جلب کرد و در قسمت کانونی گالری طراحان آزاد، مخاطبان گرداگردش گشتند، کار هدا زرباف بود؛ هدا زرباف، هنرمند تهرانی متولد ۱۳۶۱ که با دو پلنگ صورتی در یکس شیشه‌ای قرار گرفته صنعت سرگرمی‌سازی آمریکا و پوچی آن را به نقد کشیده است. آثار هدا زرباف را می‌توان در هنر مفهومی دسته‌بندی کرد. امیال، تعلق، نوستالژی، تنهایی و مالیخولیا بخشی از تم‌های موجود در سلسله کارهای زرباف هستند. در نمایشگاه گسست محسوس، دو فیگور حجمی به شکل شخصیت انیمیشن معروف آمریکایی «پلنگ صورتی» در حال نگاه‌کردن به هم هستند. یکی از آنها امعاء و احشاء خود را به دیگری نشان می‌دهد و پلنگ صورتی بزرگ‌تر در حال خارج‌کردن محتویاتی سبز رنگ از دهانش است که مخاطب را پس می‌زند و احتمالا حالت تهوع را در او بیدار می‌کند.



لازم برای پاسداری از اسلام، اعتقادداشتن به امام حسین(ع) است. هیچ‌کس نمی‌تواند پاسداری از اسلام کند در حالی که ایمان و یقین به اباعبدالله(الحسین(ع) نداشته باشد. اگر امروز ما در صحنه‌های پیکار می‌رزیم و اگر امروز پاسدار خون شهدا هستیم به واسطه عشق، علاقه و محبت به امام حسین(ع) است».



غیرمستقیم از تسری فرهنگ آمریکایی و تسخیری که می‌تواند به نفوذ فرهنگ آمریکا در حتی اشیاء و کالاهای روزمره زندگی یک ایرانی نیز تعبیر شود هم هشدار داده‌اند.

طلا مدنی، دیگر هنرمند متولد دهه ۶۰ که از سنین کودکی به آمریکا مهاجرت کرده و همواره در آثارش به سوزه‌هایی مثل قدرت سیاسی می‌پردازد و آنها را نقد می‌کند– خشونت و طنز معمولاً در آثار او حس اشمئزاز و امیال سرکوب‌شده را در هم می‌آمیزند، راوی او معمولاً فیگورهای کارتون‌ی هستند که آمریکا داعیه‌دار تسلط جهانی بر آنهاست.

سینا چوپانی هنرمند متولد ۱۳۶۹ ساری با چاپ اسکرین و در صحنه‌هایی سرخ‌فام که ممکن است حس از خشونت به مخاطب انتقال دهد دو اثر از عکس‌های گروه راک متالیکا و ستاره بدنسازی آمریکایی، فرنک زین، در این مجموعه ارائه کرده است.

محمد رضا میرزایی متولد ۱۳۶۷ تهران در مجموعه عکس «کارت پستال‌ها» که در

آمریکا، کشور محل سکونت او، گرفته شده‌اند

آثاری اکسپرسیونیسم انتزاعی را خلق کرده که

تداعی‌کننده نقاشی‌های سبک «پنه‌رنگ»

مارک روتکو، هنرمند آمریکایی را یادآوری

می‌کند؛ خود او در استیتمنت این مجموعه

نوشته‌ای از غلامحسین ساعدی درباره تجربه

تنهایی در پناه‌ندگی و مهاجرت را نقل می‌کند

که با این آثار همخوانی دارد.

خسرو حسن‌زاده متولد ۱۳۴۲ تهران که

نامی تثبیت‌شده در نقاشی ایران است با دو

کار در این رویداد حضور داشت که به لحاظ تم

درونی با دیگر کارها تفاوت دارد؛ موضوع آثار

خسرو حسن‌زاده اغلب مسائلی است که در

جامعه ایرانی با زندگی روزمره و حساسیت‌های

عموم مردم گره خورده است، جنگ، خانواده،

زنان، قهرمانان، ستاره‌ها و چهره‌های محبوب،

ورزش‌ها و سنت‌های مردمی، حسن‌زاده آثار

خود را «هنر مردم» می‌نامد و می‌توان تاثیر

اثر از مجموعه «وارهول نجاتم داد» به ستایش

یک هنرمند جریان‌ساز جهانی آمریکایی

می‌پردازد که پاپ آرت را در ساحت‌هایی نوین

مطرح و تثبیت کرد.

اماتکین آغداشلو که خود هنرمند و طراح

متولد تهران، فارغ‌التحصیل کارشناسی

هنرهای تجسمی از دانشگاه رایرسون تورنتو و

برنده جایزه اینتر اکسس و سیمپاتی‌کو در

رشته هنرهای نیو مدیا است و این سومین

نمایشگاهی است که کیوریتوری می‌کند،

درباره چرایی خلق چنین نمایشگاهی می‌گوید:

«گذشته از روابط حساس و چالش برانگیز

ایران و آمریکا در یک قرن گذشته، انتخابات

ریاست جمهوری امسال آمریکا برای ایرانی‌ها

هم مهم شد. برای من هم جالب بود نگاهی به

روابط این دو کشور از دریچه هنر داشته

باشیم. همزمانی سالگرد اشغال سفارت

آمریکا و انتخابات این کشور برای من بسیار

نمادین و جالب بود. حتی ابتدا امکان برگزاری

این نمایشگاه در مکانی نزدیک سفارت سابق

آمریکا در تهران را بررسی کردم. اتفاقا یکی از

کارلی‌های مهم تهران پشت این سفارت واقع

شده اما در نهایت گالری طراحان آزاد این

امکان را فراهم کردند.

او در پاسخ به این پرسش که آیا از منو چهر

یکتایی تا هنرمند جوانی مانند هدا زرباف، نگاه

به هنر آمریکایی نزد هنرمندان ایرانی تغییر

معناداری کرده است، می‌گوید: «حتما این

تغییرات محسوس است اما پیش‌عمده‌ای از

این تغییرات برمی‌گردد به تغییرات در خود هنر

تجسمی طی نسل‌ها طی عیثا حضور مدیوم‌های

جدید و همچنین تحولات اجتماعی گسترده

طی دهه‌های گذشته روی هنر که در ذات‌اش

باید سیال و تحول‌پذیر باشد تا تاثیرات زیادی

می‌گذارد.»

سرگشتگی در آمریکا

همچنین از هومن مرتضوی، اثری از مجموعه «پروژه جابجایی» در این نمایشگاه ارائه شده است؛ در این سری مرتضوی تجربه مهاجرت خود به آمریکا در دهه ۹۰ میلادی و حس سرگشتگی و عدم تعلق به جامعه را با زتاب می‌دهد؛ مهاجرت تنها، رودرروی جامعه‌ای که برای یکپارچه‌شدن با فرهنگ و سبک زندگی کشور جدید خود به‌مرور به نسخه‌کی ناقص، پوچ و مضحکی از شهروندان آن کشور تبدیل می‌شود که فقط قادر به کسب‌ظواهر و نه باطن این فرهنگ جدید است.

نقد خوی تجاری‌سازی و تقبیح مصرف‌گرایی آمریکا

کار مشترک فرهاد مشیری و شیرین علی‌آبادی در تقبیح مصرف‌گرایی و خوی تجاری‌سازی فرهنگ آمریکایی نیز در این مجموعه جالب توجه است. این زوج هنرمند که البته شیرین علی‌آبادی دو سال پیش درگذشته است. سال ۲۰۰۵ این‌کار را خلق کردند و یکی از اصول بنیادی اقتصادی آمریکا یعنی سبک زندگی فرهنگ شده‌اند تا عبارت «ما همه آمریکایی هستیم» روی آنها خوانده و در واقع به سخره گرفته شود. البته هنرمندان به شکل